

سرمقاله

ذی نفعان فعلی سیاست‌های اقتصادی

ادامه از صفحه یک...ریل اقتصادی کشور اثر گذاشته است. این سیاست‌ها که در قالب تفاهم‌نامه‌هایی تدوین شده‌اند، هرچند به صورت رسمی امضا نشده‌اند، اما در قوانین داخلی کشور پذیرفته شده‌اند. بر اساس این سیاست‌ها، دولت به‌عنوان بازیگر اصلی اقتصادی، نقش نظارتی و مداخله‌گری خود را به حداقل رسانده و بازار آزاد به‌عنوان موتور محرکت اقتصادی تعیین‌کننده شده است. یکی از مهم‌ترین محورهای این سیاست‌ها، اصل «عدم مداخله دولت در بازار» یا به عبارت دیگر، آزاد گذاشتن بازار است. به این معنا که دولت نباید در قیمت‌گذاری، تنظیم بازار، یا حمایت از تولیدکننده دخالت کند و این وظیفه به بازار آزاد سپرده شده است. در کنار این، خصوصی‌سازی گسترده و تأسیس بانک‌های خصوصی، از دیگر وجوهی است که بر اساس این دیدگاه به اجرا درآمده است. اما تجربه نشان داده است که این سیاست‌ها به جای تقویت اقتصاد ملی، زمینه‌ساز بروز مشکلاتی از جمله تورم بالا و فشارهای اقتصادی بر تولید بوده است. یکی از عواقب ملموس این سیاست‌ها، فشارهای اقتصادی وارد شده بر تولیدکنندگان داخلی است. بانک‌های خصوصی که بر اساس همین سیاست‌ها تأسیس شدند، به جای حمایت از تولید، به عامل فشار بر آن تبدیل شده‌اند. این وضعیت موجب شده برخی افراد و گروه‌ها از این فضا بهره‌برداری‌های غیرقانونی و نامشروع داشته باشند که بر خلاف منافع ملی بوده و به اقتصاد کشور آسیب زده است. نمونه بارز این سوءاستفاده‌ها، جریان آزادسازی بازار گازی خارجی است که عمدتاً به آزادسازی واردات محدود شده و با دقت و ظرافت خاصی در ایران دنبال شده است. عامل دوم اما به عوامل داخلی بازمی‌گردد که رابطه تنگاتنگی با عامل خارجی دارد. گروه‌هایی که امروزه از سیاست‌ها و پیشنهادهات صندوق بین‌المللی پول حمایت می‌کنند، اغلب خود از ذی نفعان این سیاست‌ها هستند. کسانی که بانک‌های خصوصی تأسیس کرده‌اند در زمینه واردات فعالیت می‌کنند، با بهره‌گیری از تسهیلات خاص، شرایط انحصاری ایجاد کرده‌اند که ورود رقبا به بازار را دشوار ساخته است. به عبارت دیگر، انحصار در دست این گروه‌ها، مانع از رقابت سالم و توسعه متوازن اقتصاد شده است. سؤال مهمی که در این میان مطرح می‌شود، این است که چه کسانی از چشم‌های نرخ ارز سود می‌برند؟ فردی که هیچ مالکیت ارزی ندارد و به بازار ارز وارد نیست، چگونه می‌تواند منتفع شود؟ پاسخ روشن است: فقط گروه‌ها و افراد خاصی که در بازار ارز فعال هستند و از تغییرات نرخ ارز بهره‌مند می‌شوند، سود می‌برند. این موضوع نه تنها منافع مادی بلکه منافع فکری را نیز شامل می‌شود. عده‌ای مابنی فکری خاصی دارند که می‌گویند برای رشد اقتصادی کشور باید در چارچوب نظم جهانی حرکت کرد و چاره‌ای جز تبعیت از سیاست‌های صندوق وجود ندارد. این دیدگاه اقتصادی فراتر از صرف استدلال‌های اقتصادی است و به حوزه نظم جهانی قدرت‌ها و سیاست‌های خارجی برمی‌گردد. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به‌عنوان بازوهای اعمال سیاست‌های اقتصادی و سیاسی آمریکا شناخته می‌شوند و تبعیت از این نهادها به معنی پذیرش نفوذ و سلطه آنهاست. این امر به‌ویژه زمانی اهمیت پیدا می‌کند که به مبانی نظری برنامه چهارم توسعه کشور نگاه کنیم. در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸، در این برنامه تأکید شده بود که برای موفقیت در سطح بین‌المللی باید در نظم جهانی حرکت کنیم و چهره‌ای همکار و اطمینان‌بخش از خود نشان دهیم. این استدلال اما از یک منظر تک‌بعدی و محدود است و در عمل هزینه‌های انسانی و مادی زیادی را برای کشور به دنبال دارد.

بادداشت

اهداف تل آویوز کارشکنی در آتش‌بس غزه

ادامه از صفحه یک... و هم سایر کمک‌ها را ارسال کرد. از این روی می‌توان گفت که این گذرگاه حکم شاهراه حیاتی برای مردم و کل منطقه غزه را دارد و همچنین برای رژیم صهیونیستی نیز این گذرگاه دارای اهمیت ویژه‌ای است. سایر گذرگاه‌ها یا اهمیت کمتری دارند یا در مناطقی قرار دارند که تحت کنترل سرزمین‌های اشغالی است. اسرائیل در طول ۷۶ سال حیات خود بارها عهدشکنی کرده و به تعهداتش پایبند نبوده و همواره تلاش کرده طرف مقابل را در ضعیف‌ترین وضعیت ممکن قرار دهد. در لبنان و جنگ‌های گذشته نیز شاهد این رفتار بودیم و حتی در مناسبات اقتصادی و منطقه‌ای نیز تلاش داشته با فشار، طرف مقابل را تضعیف کند. اکنون با وجود توافق‌هایی که بین برخی کشورها انجام شده و تا حدودی خیال‌ها را راحت کرده، رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند از هر بهانه‌ای (چه برای اسیرانی که زنده‌اند و چه برای آتپهایی که جان‌شان را از دست داده‌اند) بهره‌برد تا توافق را زیر پا بگذارد یا آن را خنثی کند و دوباره فشار را بر غزه افزایش دهد. این رژیم هر گاه احساس کند طرف مقابل ضعیف است، درنگ نمی‌کند و اساساً یا جمله می‌کند، یا مزاحمت ایجاد کرده یا اجازه ارائه کمک‌های انسانی را نمی‌دهد.

اکنون وضعیت غزه نیز چنین است؛ چون اسرائیل می‌داند اگر آتش‌بس بلندمدت برقرار شود، همانند گذشته حماس و دیگر گروه‌های مقاومت علاوه بر بازسازی غزه، به تقویت توان مقاومت خواهند پرداخت که این مساله برای رژیم صهیونیستی قابل قبول نیست. هم‌اکنون حتی در یک روز ممکن است ده‌ها یان‌زدیک به ۱۰۰ مورد تغییر در محدودیت‌ها و نقض‌های آتش‌بس قطعا در سطح روابط بین‌الملل نیز پیامدهای منفی دارد. برای آمریکا نیز این موضوع خوب نیست؛ مثلاً شخصی مانند ترامپ که بارها در تبلیغات و رسانه‌های خود مدعی شده آتش‌بس را برقرار کرده و ضامن آن است! اگر رفتار اسرائیل این ادعاها را بی‌اعتبار کند، اعتبار بین‌المللی آمریکا و وعده‌های رئیس‌جمهوری این کشور زیر سؤال خواهد رفت.

۹۰ درصد در آمد عمومی دولت صرف هزینه‌های جاری می‌شود



علی نیکزاد نایب رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به نقش دولت در اقتصاد اظهار کرد: دولت مانند یک پدر، منابع در آمدی خود را از نفت، مالیات، اوراق و سایر دارایی‌ها تأمین کرده و حدود ۹۰ درصد آن را صرف خانواده خود می‌کند. نایب رئیس مجلس با بیان اینکه کشور با انبوهی از پروژه‌های نیمه‌تمام مواجه است، گفت: در حال حاضر ۱,۰۶۵ پروژه ملی در کشور داریم که در صورت توقف کامل تورم، تکمیل آن‌ها حدود ۳۰ سال زمان می‌برد. همچنین ۲۴ هزار پروژه دیگر در سطح کشور وجود دارد که برای اتمام آن‌ها نیز بیش از ۹ سال زمان لازم است، مشروط به اینکه تورم مهار شود. وی ادامه داد: در چنین شرایطی، ورود سرمایه‌گذاران و فعال شدن بخش خصوصی بیش از پیش ضرورت دارد. نیکزاد تأکید کرد: سرمایه‌گذار علاوه بر احترام، به دنبال کسب سود است و تا زمانی که بازده سرمایه‌گذاری از سود بانکی کمتر باشد، انگیزه‌ای برای ورود به عرصه اقتصادی نخواهد داشت.

نایب رئیس مجلس از مسئولان خواست شرایطی فراهم کنند تا سرمایه‌گذاری در کشور به‌صرفه باشد و سود مناسبی برای سرمایه‌گذاران به همراه داشته باشد. وی در پایان اظهار داشت: با وجود محدودیت‌های بودجه‌ای دولت، تنها راه تسریع در تکمیل پروژه‌ها، جذب سرمایه‌های مردمی و جلب اعتماد بخش خصوصی است.

تجارت‌گرایی می‌دهد

احتمال بالای ادغام بانک آینده در بانک ملی

باید با رعایت استقلال نهادهای مالی و حفظ اصول حرفه‌ای همراه باشد. در غیر این صورت، ممکن است به تداخل وظایف و کاهش کارآمدی منجر شود.

چالش‌های پیش‌رو؛ از انتقال تا بازسازی

فرآیند ادغام، اگر چه آغاز شده، اما مسیر دشواری در پیش دارد. انتقال کامل حساب‌ها، تسهیلات، دارایی‌ها، و نیروی انسانی، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگی میان بانک مرکزی، بانک ملی، و نهادهای نظارتی است. همچنین، بازسازی اعتماد عمومی نسبت به نظام بانکی، به‌ویژه در میان مشتریان آسیب‌دیده، یک چالش جدی خواهد بود. در کنار این‌ها، باید مراقب بازگشت پنهانی دارایی‌ها به شبکه بانکی یا شرکت‌های تابعه بود؛ اتفاقی که در واگذاری‌های قبلی نیز رخ داده و اصل هدف اصلاح را مخدوش کرده است. شفافیت در قیمت‌گذاری، افشای عمومی اطلاعات، و نظارت مستمر، از الزامات حیاتی این مسیر هستند.

کامی بلند یا آزمون دشوار؟

ادغام بانک آینده در بانک ملی ایران، در ظاهر گامی بلند در مسیر اصلاح ساختار بانکی کشور است؛ اما در عمل، آزمون چندوجهی برای نهادهای مالی، قضایی، اجرایی و حتی رسانه‌ای محسوب می‌شود. این تحول نه تنها به دلیل حجم دارایی‌ها و تعهدات بانک آینده، بلکه به خاطر حساسیت افکار عمومی و سابقه پر حاشیه این بانک، نیازمند مدیریت دقیق، شفاف و چندلایه است. اگر این فرآیند با موفقیت اجرا شود، می‌تواند به الگویی برای ساماندهی سایر نهادهای مالی ناکارآمد تبدیل شود؛ از مؤسسات اعتباری بچران رده گرفته تا بانک‌هایی که درگیر بنگاهداری و دارایی‌های منجمد هستند. در این صورت، بانک ملی به‌عنوان ستون فقرات نظام بانکی کشور، نقش‌تثبیت‌کننده خواهد داشت، بلکه می‌تواند با جذب منابع و اصلاح ترازنامه، به موتور محرک تأمین مالی تولید تبدیل شود. اما اگر این ادغام با ابهام، تأخیر، یا بی‌توجهی به حقوق سپرده‌گذاران و کارکنان همراه باشد، پیامدهای آن فراتر از یک شکست مدیریتی خواهد بود. بی‌اعتمادی عمومی نسبت به نظام بانکی، افزایش ریسک نقدینگی، و تشدید فشار بر بانک مرکزی برای مداخلات بعدی، از جمله تبعات احتمالی آن است. به‌ویژه در شرایطی که اقتصاد ایران با رکود، تورم و کاهش سرمایه‌گذاری مواجه است، هر گونه اختلال در شبکه بانکی می‌تواند به بحران‌های گسترده‌تری منجر شود. از سوی دیگر، این ادغام می‌تواند نقطه آغاز بازتعریف نقش بانک‌ها در اقتصاد ایران باشد. اگر بانک‌ها از بنگاهداری خارج شوند، نسبت‌های مالی خود را اصلاح کنند، و منابع را به سمت تولید و اشتغال هدایت کنند، می‌توان به تدریج شاهد بازسازی اعتماد عمومی، افزایش رقابت سالم، و رتقای بهره‌وری در نظام مالی کشور بود. این مسیر، البته نیازمند اراده سیاسی، نظارت دقیق، و مشارکت فعال نهادهای تخصصی است.



ساختاری مهمی برای نظام بانکی کشور دارد. از یک‌سو، افزایش سرمایه و گستره عملیاتی بانک ملی، موقعیت این بانک را به‌عنوان بازیگر بی‌رقیب در نظام بانکی تقویت می‌کند. از سوی دیگر، حذف یک بانک خصوصی بزرگ، می‌تواند به کاهش تنوع و رقابت در بازار بانکی منجر شود. همچنین، انتقال دارایی‌های غیرمولد و پروژه‌های نیمه‌تمام بانک آینده به بانک ملی، چالش‌هایی در ارزیابی، مدیریت و نقدشوندگی این دارایی‌ها ایجاد خواهد کرد. اگر این دارایی‌ها به‌درستی ساماندهی نشوند، ممکن است به بار مالی جدیدی برای بانک ملی تبدیل شوند و نسبت‌های مالی آن را تحت فشار قرار دهند.

نقش قوه قضائیه و نهادهای نظارتی

نقش فعال قوه قضائیه در تسریع این فرآیند، نشان‌دهنده ورود نهادهای قضایی به حوزه اصلاحات بانکی است. رئیس قوه قضائیه در سخنان اخیر خود، صراحتاً از بانک مرکزی خواسته بود که وضعیت بانک آینده را تعیین تکلیف کند و از ادامه بالاتکلیفی جلوگیری شود. این موضع‌گیری، با استقبال برخی کارشناسان مواجه شده که آن را نشانه‌ای از اراده حاکمیتی برای اصلاح ساختارهای ناکارآمد می‌دانند.

با این حال، برخی دیگر هشدار داده‌اند که ورود نهادهای قضایی به تصمیمات بانکی،

دولت مطابق قانون یارانه سه دهک را حذف کرد



جبار کوچکی نژاد، نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این پرسش که یارانه کدام دهک‌ها حذف شده است، بیان کرد: حذف یارانه دهک‌های پر درآمد متن قانون است. هم در قانون برنامه و هم در قانون بودجه دولت مکلف شده است تا یارانه دهک‌های پردرآمد را حذف کرده و با استفاده از منابع حاصل، یارانه دهک‌های کم‌درآمد را تقویت کند. سال‌های سال است که این تکلیف قانون وجود دارد اما دولت‌ها به آن عمل نمی‌کنند. نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در ادامه اظهار کرد: اخیراً نرژ گزاری در این زمینه در صحن مجلس شورای اسلامی قرائت شد؛ وزارت کار مجری این قانون است. عدم اجرای قانون، نوعی تخلف است. بنده نیز معتقد هستم که با حذف یارانه ۸ و ۹ و ۱۰ هیچ مشکلی پیش نمی‌آید. دولت چهاردهم نیز مطابق قانون یارانه این سه دهک را قطع کرده است. البته سامانه‌هایی برای اعتراض افراد نیز پیش‌بینی شده است. اگر احیاناً افرادی به ناحق یارانه آنها قطع شده باشد، مسیر اعتراض و رسیدگی به آن نیز مشخص شده است. وی با اشاره به اینکه رقم یارانه به طور کلی پایین است، بیان کرد: واقعیت این است برای خانواده‌ای که ۵۰ میلیون در ماه درآمد دارد، رقم ۲ میلیون کمتر یا بیشتر تأثیر چندانی ندارد. اما همین رقم برای اقشار پایین دست جامعه که درآمد خیلی پایینی دارند، همین رقم ۲ میلیون تومان تأثیرگذار است.

از بحران تا تصمیم نهایی؛ چرا بانک آینده منحل شد؟

بانک آینده از زمان تأسیس خود، با هدف ارائه خدمات نوین بانکی و جذب سرمایه‌های خرد و کلان، فعالیت خود را آغاز کرد. اما به‌مرور زمان، ورود گسترده به عرصه بنگاهداری، تملک پروژه‌های عظیم ساختمانی، و تخصیص منابع به شرکت‌های وابسته، این بانک را از مسیر اصلی خود منحرف کرد. گزارش‌های متعدد از زیان‌دهی، کاهش نسبت کفایت سرمایه، و عدم شفافیت در ترازنامه، بانک مرکزی را ناگزیر به مداخله کرد. در نهایت، با دستور مستقیم رئیس قوه قضائیه و تصویب هیأت عالی بانک مرکزی، تصمیم به انحلال بانک آینده و ادغام آن در بانک ملی ایران اتخاذ شد. بر اساس این تصمیم، بانک مرکزی اعلام می‌کند که بانک آینده تحت مدیریت بانک ملی فعالیت خواهند کرد و تابلوی این بانک از سر در شعب برداشته می‌شود.

تضمین حقوق سپرده‌گذاران؛ آزمون اعتماد عمومی

یکی از نگرانی‌های اصلی در فرآیند ادغام، حفظ حقوق سپرده‌گذاران و مشتریان بانک آینده است. بانک مرکزی و بانک ملی ایران اعلام کرده‌اند که تمامی تعهدات، سپرده‌ها و تسهیلات جاری بانک آینده بدون هیچ وقفه‌ای منتقل و تضمین خواهد شد. این تضمین، اگر چه در ظاهر آرامش‌بخش است، اما در عمل نیازمند اجرای دقیق، شفاف و بدون تبعیض است. تجربه‌های پیشین در ادغام مؤسسات اعتباری نشان داده‌اند که هر گونه تأخیر یا ابهام در انتقال حساب‌ها، می‌تواند به بی‌اعتمادی عمومی و هجوم به شعب برای برداشت سپرده‌ها منجر شود. بنابراین، اطلاع‌رسانی دقیق، پاسخ‌گویی شفاف، و تسهیل خدمات بانکی برای مشتریان سابق بانک آینده، از الزامات حیاتی این فرآیند است.

پیامدهای ساختاری برای نظام بانکی

ادغام بانک آینده در بانک ملی، تنها یک تصمیم مدیریتی نیست؛ بلکه پیامدهای

ایجاد ۲۰۰ هزار شغل در ۶ ماهه امسال



مرحله تلفنی پایش به صورت تمام شماری از نیمه تمام شماری انجام می‌شود. بیگی در ادامه با اشاره به اینکه هر مرحله سوم نظارت به صورت میدانی است گفت: براساس داده‌های جمع‌آوری شده در طرح پایش ۱۴۰۳، تعداد ۴۸۰۰۴ طرح نظارت شده که از

این میان، بر اساس نظارت میدانی، تعداد ۳۲۶۶۸ طرح تأیید شده‌اند و در صحت نظارت میدانی ۱۷۴ درصد در این مرحله نظارت میدانی را با مبالغی که تسهیلات پرداخت می‌شود به سه بخش تقسیم کرده ایم، بخش خود اشتغالی را با همکاری مراکز مشاوره و کارآفرینی انجام داده ایم، بخش نظارت کارفرمای هم در دو قسمت کمیته نظارت استان و کمیته نظارت ملی دنبال می‌شود. بیگی افزود: در این طرح، در ۳۱ استان کشور، ۱۲۰ شرکت مشاوره و خدمات کارآفرینی در نظارت بر طرح‌های خوداشتغالی همکار می‌فرایند بودند. وی با بیان اینکه در عماهه امسال حدود ۱۰۰ نظارت کارفرمای داشتیم که برای تسهیلات کمتر از ۱۰ میلیارد بوده است، گفت: برای بیشتر از ۱۰ میلیارد و حدود ۳۰ میلیارد به کمیته نظارت ملی ارجاع داده می‌شود. مجموع نظارت‌هایی که در کشور انجام شده است حدود ۷۴ درصد نمونه گیری به صحت منجر شده است. بیگی گفت: در عماهه ابتدای امسال ۴۲۸۹۹ نظارت انجام داده ایم، این پایش در طرح های خود اشتغالی بوده است. در کارفرمایی هم توسط کمیته نظارت استانی حدود ۹۰۰ طرح بررسی

گروه اقتصاد کلان: مسعود بیگی، مدیر کل دفتر نظارت و هماهنگی طرح‌های کارآفرینی و اشتغال با اشاره به پرداخت تسهیلات خرد در کشور گفت: مطابق قانون بودجه وزارت کار مکلف به بازدید میدانی از طرح های اشتغالزایی شده است. وی با اشاره به پایش اشتغال در کشور ادامه داد: تا سال ۱۴۰۱ این موضوع در بودجه آمده است، مطابق تبصره تسهیلات اشتغال در قانون بودجه مسئولیت پایش اشتغال با وزارت کار است، حجم پرداخت تسهیلات خرد بسیار زیاد است و می توان گفت سالانه بیش از ۹۰۰ هزار مورد درخواست وام خرد اشتغال در کشور داریم که سال گذشته ۴۴۰ هزار مورد پرداخت تسهیلات داشتیم. بیگی گفت: این امکان وجود ندارد که بتوان در یک ماه این میزان را بررسی کرد. به منظور رسیدگی بهتر نمونه های را تحت عنوان شیوه نامه نظارت بر طرح های اشتغال طراحی کردیم، مطابق این شیوه نامه پایش و نظارت را سه مرحله ای کردیم. یعنی بعد از اینکه در سامانه رصد اطلاعاتی ثبت می شود، در آنجا یک پایش پیامکی را به صورت تمام شماری انجام می دهیم. یعنی برای همه کسانی که اشتغال ثبت شده است، یک پیامک ارسال می شود. بیگی گفت: اشتغال را بررسی کنیم، مدیر کل دفتر نظارت و هماهنگی طرح های کارآفرینی و اشتغال ادامه داد: در مرحله دوم بررسی می که مرکز تماس اشتغال کشور را در سالیان گذشته راه اندازی کرده ایم. یعنی با افرادی که وام دریافت کرده اند، تماس گرفته می شود و بررسی می شود که اشتغال در چه مرحله ای است و صحت آن بررسی می شود. در

سرمایه ایرانیان خارج کشور، فرصت بی نظیر برای جذب سرمایه گذاری

تجاری به مجمع بین‌المللی سرمایه‌گذاران کشور تاجیکستان از این منظر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است که نیاز اصلی این کشور در حوزه دارویی-پزشکی، صنعت غذا و محصولات شیمیایی بوده است که در منطقه غرب آسیا ایران سرآمد این بخش‌ها است و می‌تواند با جذب سرمایه‌گذار مشترک ایرانی و تاجیکستان، علاوه بر رفع نیاز وادراتی این کشور، محصولات متنوع تولیدی این کشور، فارسی‌زبان را نیز راهی بازارهای ایران کند و به این ترتیب حجم تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری خارجی تاجیک‌ها در ایران را افزایش دهیم. وی در ادامه با اشاره به تمرکز ویژه وزارت اقتصاد بر ایجاد بسترهایی برای جذب سرمایه‌گذاران ایرانی خارج از کشور خاطر نشان کرد: یکی از رویکردهای مهم در زمینه توسعه سرمایه‌گذاری در بخش مولد

اقتصاد ایران، جذب سرمایه‌گذاری ایرانیان خارج از کشور است که با تسهیل فرآیند صدور مجوزها و بسترسازی برای حضور این سرمایه‌ها انجام پذیرفت. این کارشناس اقتصادی افزود: وزارت اقتصاد به سمت تسهیل فرآیند صدور مجوزهای سرمایه‌گذاری بی‌نام و بسترسازی برای حضور سرمایه‌های ایرانیان خارج از کشور حرکت کرده است تا در بخش‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی کشور از سرمایه‌های این بخش استفاده کافی و لازم را ببرد. همچنین حضور فعالانه ایران در مجامع بین‌المللی سرمایه‌گذاران خارجی نیز در راستای جذب حداکثری منابع به سمت پروژه‌های توسعه‌ای کشور است. نکته مهم این است که برخی از سرمایه‌گذاران خارج از کشور توجه و علاقه‌مندی جهت سرمایه‌گذاری در استان زادگاه

خود دارند که این موضوع نیز از طریق همکاری بین وزارت اقتصاد و کمیسیون بازار گانی و سرمایه‌گذاری شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور تسهیل شده است. وی در پایان در رابطه با سیاست مدنظر وزارت اقتصاد در حوزه پادشکندگی خاطر نشان کرد: در اقتصاد ایران مفهوم پادشکندگی به این معناست که تحریم، بحران یا فشار خارجی، باعث اصلاح، نوآوری و افزایش توانمندی درونی کشور شود و نه تنها جلوی توقف یا انفعال در سیاست‌گذاری کشور گرفته شود بلکه منجر به رشد درون‌زا نیز گردد و به عبارت دیگر، پادشکندگی یعنی طراحی سیاست‌هایی که تهدید را به فرصت تبدیل کنند. این رویکرد مبتنی بر بهبود فضای کسب‌وکار و حضور واقعی مردم در اقتصاد محقق خواهد شد.